

نشریه ادبیات پایداری
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره هجدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

جلوه‌های پایداری در نهضت شیعی سربداران

دکتر سید شمس‌الدین نجمی^۱
سعیده قره‌چاهی^۲

چکیده

مغولان با هجوم خود سرزمین ایران را تحت سیطره سیاسی و نظامی خود قرار دادند و با هرگونه پایداری (مقاومت) مردمی مقابله نمودند. پس از مرگ ابوسعید ایلخانی، ظلم و ستم بر مردم ایران افزایش یافت که پیامد آشکار آن تشکیل نهضت شیعی سربداران بود. این نهضت اولین پایداری موفقیت‌آمیز مردم ایران در قرن هشتم ه.ق بود که با تأکید بر جلوه‌های پایداری چون ظلم‌ستیزی، میهن‌پرستی، عدالت‌طلبی روی کار آمد و سپس به حمایت از دیگر جنبش‌ها پرداخت. جلوه‌های پایداری نهضت سربداران خراسان در نثر و نظم این دوره از جمله در دیوان ابن یمن فریومدی تجلی یافته است. با عنایت به مطالب فوق، این پژوهش می‌کوشد تا جلوه‌های پایداری در نهضت شیعی سربداران را بررسی کند و همچنین چگونگی تأثیرگذاری این جلوه‌ها را بر جامعه عصر سربداران نشان دهد. یافته‌ها در این پژوهش بیانگر آن است که هرچند جلوه‌های پایداری چون ظلم‌ستیزی، عدالت‌طلبی و میهن‌پرستی در تشکیل نهضت شیعی سربداران بیشترین نقش را داشته است اما اصلی‌ترین عامل تداوم و پایداری نهضت سربداران، آموزه‌های قرآنی و فرهنگ اهل بیت (ع) بخصوص فرهنگ عاشورا بود که این عوامل باعث گرایش مردم به آن شد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و روش پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات پایداری، سربداران، ظلم‌ستیزی، میهن‌پرستی، عدالت‌طلبی، ابن

یمین

۱. دانشیار بخش تاریخ دانشگاه شهید باهنر کرمان

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول) saeideghare18@gmail.com

تاریخ پذیرش نهایی: ۲۰-۵-۱۳۹۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۵-۹-۱۳۹۴

۱- مقدمه

ادبیات پایداری در واقع عکس‌العملی است که در پی رویدادهایی مانند جنگ و پس از اشغال میهن و عوامل داخلی چون استبداد و کژی‌های اخلاقی پدید می‌آید و این نوع ادبیات، ماحصل مجموعه‌ای از شرایط اجتماعی چون استبداد، غضب سرزمین و حاکمیت ضد مردمی است (جهانشاهی افشار و روستا، ۱۳۹۲: ۹۴). این نوع مقاومت و پایداری در سرزمین ایران مفهومی خاص دارد؛ بدین معنا که مردم این سرزمین، پایداری در برابر بیگانگان را به مثابه تکلیف دینی تلقی می‌کردند. از جمله مقاومت‌هایی که در قالب ادبیات پایداری و مقاومت شیعی جای می‌گیرد، نهضت شیعی سربداران خراسان است که به علت جلوه‌های پایداری‌اش در تاریخ ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. فروپاشی حکومت ایلخانی موجب به وجود آمدن جنگ‌های طولانی برسر قدرت و جانشینی شد. این جنگ‌ها و درگیری‌ها، ناامنی و فساد را در جامعه گسترش داد. شرایط موجود در برخی نقاط ایران باعث به وجود آمدن پایداری‌های مردمی علیه این نابرابری‌ها شد. نهضت شیعی سربداران خراسان از این نوع پایداری‌ها بود که در برابر نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های این دوره شکل گرفت و توانست از مشروعیت عامه برخوردار شود.

سربداران با تأکید بر جلوه‌ها و مشخصه‌های پایداری چون ظلم‌ستیزی، عدالت‌طلبی و میهن‌پرستی به موفقیت‌هایی در برابر بیگانگان دست یافتند؛ همچنین به حمایت از قیام‌های دیگر نقاط پرداختند و الگویی برای حکومت‌هایی چون مرعشیان مازندران و صفویان شدند. پژوهش حاضر ابتدا به چگونگی و چرایی تشکیل دولت سربداران می‌پردازد؛ سپس، جلوه‌های پایداری این نهضت را تفکیک می‌کند و در نهایت، به حمایت‌های نهضت شیعی سربداران از قیام‌های دیگر اشاره می‌کند.

۱-۱- بیان مسئله

مفهوم مقاومت و پایداری به پدیده‌های مختلفی اطلاق می‌شود. پایداری، نیروی محرک و آغازگر ایستادگی در برابر نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها است. نمود جلوه‌های پایداری در نهضت‌ها و جنبش‌های تاریخ ایران بر ضد بیگانگان و ستمگران بی‌شمار است. جلوه‌های پایداری در ادبیات سرزمین ایران نمود فراوانی دارد که پرداختن به آنها تاریخ پایداری و مقاومت مردم ایران را نشان می‌دهد. پژوهش حاضر بر آن است که مهم‌ترین جلوه‌های پایداری در نهضت شیعی سربداران را بررسی کند و به سؤالات ذیل پاسخ دهد:

۱- مهم‌ترین جلوه‌های پایداری در نهضت شیعی سربداران کدامند؟

۲- جلوه‌های پایداری در این نهضت چگونه باعث گرایش مردم به آن شد؟

۱-۲- پیشینه تحقیق

نهضت سربداران به علت اهمیتی که در تاریخ ایران دارد مورد توجه محققان گذشته و امروزی قرار گرفته است. در زمینه تحقیقات خارجی کتاب «نهضت سربداران خراسان» از پطروشفسکی شرح کاملی از چگونگی تشکیل این نهضت ارائه می‌دهد. محققان ایرانی چون یعقوب آژند در کتاب «قیام سربداران» به این نهضت توجه ویژه‌ای داشته است. همچنین مقالات نگارش یافته بیشتر به ماهیت این نهضت پرداخته‌اند مانند مقاله «حکومت‌های محلی در قرن هشتم هجری و مسأله مشروعیت» از فریدون اللهیاری و دیگران که در سال ۱۳۸۹ در نشریه پژوهش‌های دانشگاه اصفهان به چاپ رسیده است. همچنین مقاله‌ای با عنوان «سبزوار کانون عمده گسترش و استقرار سیاسی مذهب شیعه در شرق کشور» در همایش ژئوپولیتیک شیعه در سال ۱۳۹۱ به چاپ رسیده است و مقاله دیگری تحت عنوان «علل و انگیزه‌های نهضت سربداران» توسط سید حسین رئیس‌السادات سال ۱۳۶۹ در فصلنامه مشکوه به چاپ رسیده است اشاره کرد. همگی این

آثار از حیث پرداختن به جلوه‌های پایداری نهضت سربداران خالی از اشاره هستند و تاکنون اثری که به طور مشخص به جلوه‌های پایداری در نهضت شیعی سربداران بپردازد موجود نیست و از این جهت موضوع مقاله حاضر دارای نوآوری می‌باشد.

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

در تاریخ ایران بعد از اسلام، بخصوص پس از حمله مغولان، برای اولین بار پایداری به مفهوم امروزی آن در نهضت شیعی سربداران به کار رفته است و این نهضت با استفاده از جلوه‌های پایداری چون ظلم‌ستیزی، عدالت‌طلبی و میهن‌پرستی موفق به تشکیل حکومت شد. متأسفانه علی‌رغم اهمیت این موضوع، تحقیقاتی که تا به اکنون در این زمینه صورت گرفته به مفهوم پایداری و خصوصاً جلوه‌های پایداری در این نهضت نپرداخته است و از این حیث این پژوهش دارای اهمیت و نوآوری می‌باشد.

۲- بحث

سربداران از حکومت‌های شیعی در قرن هشتم هجری قمری بودند که قیامی آزادی‌بخش و ملی در برابر بیگانگان آغاز نمودند. در این پژوهش، ابتدا به اوضاع سیاسی مقارن ظهور این نهضت و چگونگی شکل‌گیری این قیام مردمی پرداخته می‌شود و پس از آن مهم‌ترین جلوه‌های پایداری در این نهضت بررسی می‌گردد.

۲-۱- اوضاع سیاسی ایران مقارن ظهور سربداران

با شکست حکومت خوارزمشاهیان از قوم مغول، مغولان به تنها قدرت برتر در جهان اسلام تبدیل شدند. حکومت ایلخانان در ایران با شخص هلاکو آغاز شد که تا زمان آخرین سلطان مهم این خاندان، ابوسعید ایلخانی به موجودیت خود ادامه داد (آژند، ۱۳۶۳: ۱۵). کمال‌الدین اصفهانی در اشعاری کشتار وحشیانه عصر مغول را اینگونه شرح می‌دهد:

کو دیده که تا بر وطن خود گرید
دی بر سر مرده ای دو صد شیون بود
بر حال تباه مردم بد گرید
امروز یکی نیست که بر صد گرید
(کمال الدین اصفهانی، ۱۳۴۸:۹۶۴)

با درگذشت سلطان ابوسعید و فروپاشی حکومت ایلخانی، هرج و مرج و ناامنی سرتاسر سرزمین ایلخانان را فراگرفت (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵:۲۸۲). در چنین وضعیتی در هر ناحیه و قسمتی از سرزمین پهناور ایلخانی، فردی ادعای قدرت و فرمانروایی داشت و ناحیه یا منطقه‌ای را به تصرف خود درآورده و به حکومت‌های دیگر نیز چشم طمع داشت. این عامل در نهایت موجب کشمکش‌ها و درگیری‌های بی‌نتیجه‌ای میان حکام نواحی مختلف شد. با ادامه یافتن این وضعیت بر مردم ستم بیشتری وارد می‌شد؛ زیرا مخارج این جنگ‌ها از طریق اخذ مالیات‌های ناعادلانه مردمی پرداخت می‌شد (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۳۱). همچنین رفتارهای ظالمانه طغایتمور و دیگر مدعیان قدرت موجب گسترش نارضایتی‌های عمومی در خراسان شد. سیف فرغانی اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر مغولان را بدین گونه روایت می‌کند:

در دور ماز آتش بیداد ظالمان
بلقیس وار عدل سلیمان طلب مکن
چون رود و سیل تیره شد آب و هوای خاک
کز ظلم هست سیل عرم در سبای خاک
آتش خورم به سان شتر مرغ کآب و نان
مسموم حادثات شد اندر وعای خاک
ای کور دل تو دیده نداری از آن تو را
خوب است در نظر بد نیکو نمای خاک...
خلقی در این میانه چو خاشاک سوختند
کآتش گرفت خاص در این دور جای خاک
(سیف فرغانی، ۱۳۶۶:۱۳۷)

۲-۲- چگونگی شکل‌گیری نهضت شیعی سرداران

در مورد چگونگی شکل‌گیری نهضت سرداران روایت‌های گوناگونی در منابع تاریخی وجود دارد، اما همه منابع بر شروع این نهضت آزادی بخش در روستای باشتین

بیهق متفق القول هستند. امیر عبدالرزاق شیعه مذهب که نسبش به امام حسین (ع) می‌رسید، از پهلوانان و نام‌آوران بیهق بود که رهبری قیام سربداران خراسان را برعهده گرفت (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵: ۲۸۵).

امیر عبدالرزاق به گروهی از ناراضیان که با عاملان مالیات بگیر محمد هندو وزیر خراسان درگیر شده بودند پیوست و با بهره‌گیری از احساسات ناراضیان، قیامی مردمی علیه ظلم و ستم به‌راه‌انداخت (میرخواند، ج ۱۳۸۰: ۳۵۵؛ تنوی و قزوینی، ج ۱۳۸۲: ۷؛ ۴۴۸۴؛ بدلیسی، ج ۱۳۷۷: ۲؛ ۴۱؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۸۱؛ اسفزاری، ج ۲، ۱۳۳۸: ۸) دولتشاه سمرقندی این واقعه را بدین گونه شرح می‌دهد:

«در بیرون ده باشتین داری نصب کردند و دستارها و طاقیه‌ها بر دار کردند و

تیر و سنگ بر آن می‌زدند و نام خود را سربدار نهادند (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۳۸۷).

برخی پژوهشگران، اقدامات سختگیرانه فتودال‌های محلی در بهره‌کشی از مردم را مهم‌ترین عامل شکل‌گیری نهضت آزادی بخش سربداران دانسته‌اند (حقیقت، ۱۳۶۳: ۹۴). امیر عبدالرزاق پس از موفقیت اولیه در برابر متجاوزان و تصرف بیهق در نبردی نیروهای طغایتمور حاکم خراسان را که برای بازپس‌گیری شهرهای تصرف شده توسط سربداران، فرستاده بود شکست سختی داد. با شکست نیروهای طغایتمور شهرت و آوازه سربداران در مناطق دیگر فراگیر شد. امیر عبدالرزاق پس از مدتی به دست برادرش امیر وجیه‌الدین مسعود سربداری به قتل رسید و امیر وجیه‌الدین مسعود به حکومت سربداران دست یافت. وی را مؤسس حقیقی حکومت سربداران خراسان می‌دانند. امیر مسعود سربداری پس از رسیدن به قدرت با شیخ حسن جویری که از عالمان بنام شیعی بود و در میان مردم، دارای نفوذ زیادی بود، متحد شد؛ بدین ترتیب، اتحاد دو جریان مذهبی - سیاسی به رهبری شیخ حسن جویری و امیر وجیه‌الدین مسعود، جریان مستقلی را پدید آورد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۸۳). با این اتحاد، قیام سربداران خراسان رنگی شیعی و مذهبی پیدا

کرد (آژند، ۱۳۶۳: ۱۰۳). آخرین تلاش مغولان برای شکست دادن نهضت سربداران به رهبری امیر ارغونشاه صورت گرفت که وی در نبردی در نزدیکی نیشابور از نیروی سربداران شکست خورد و گریخت (راوندی، ج ۲، ۱۳۸۲: ۳۳۵). حافظ ابرو در اثر معروف خود «زبده التواریخ» با آوردن ابیات زیر روحیه جنگ آوری و شجاعت سربداران را نشان می دهد:

به گه وقفه یک به یک صفدار	به گه حمله سرب به سر صفدر
چرخ از بیم تیغشان به فزع	مرگ از نوک رمحشان بر حذر
با هژبران به بیشه هم بالین	با پلنگان به کوه همبستر

(حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۸۳)

۲-۳- جلوه‌های پایداری در نهضت سربداران

اندیشه پایداری در معنای کلی هر نوع شعر و نثری را شامل می شود (صرفی، ۱۳۹۳: ۲۱۰) که در زبان فارسی به عنوان معادلی برای ادبیات مقاومت هم برگزیده شده است (همان: ۲۱۱). ادبیات مقاومت به «شعرها، نمایشنامه‌ها، سرودها، ترانه‌ها و تصنیف‌هایی گفته می شود که در دوران خاصی از تاریخ ملتی یا قومی به وجود می آید و هدف آن ایجاد روحیه مبارزه و پایداری در مردم است» (همان: ۲۱۱) همچنین امیری خراسانی ادبیات پایداری و مقاومت را از لحاظ محتوا و مضمون مترادف هم می داند (امیری خراسانی و هدایتی، ۱۳۹۳: ۳۹). این نوع ادبیات به شرح پایداری‌ها جهت به دست آوردن آزادی و از بین بردن جور و ستم و بیرون راندن متجاوزان از سرزمین و میهن اشاره می کند (صرفی، ۱۳۹۳: ۲۱۱). نهضت شیعی سربداران نیز یکی از نهضت‌های آزادی‌بخش قرن هشتم هجری قمری بود که به پایداری در برابر متجاوزان پرداخت. قیام مردمی سربداران باتکیه بر جلوه‌های پایداری، موفق به ایجاد نهضتی شد که بر

نهضت‌های مهم بعد از خود نیز تأثیر گذاشت. در ادامه به مهم‌ترین جلوه‌های پایداری در نهضت سربداران پرداخته می‌شود.

۲-۳-۱- ظلم‌ستیزی

پس از مرگ ابوسعید ایلخانی، بی‌ثباتی و هرج و مرج سراسر سرزمین ایران را فراگرفت. در چنین وضعیتی مردم ایران، بخصوص در خراسان به نفی ظلم و ظالم پرداختند و هرگونه ظلم به حق رعیت را ناروا دانستند. مرعشی در کتاب خود «تاریخ طبرستان و رویان و مازندران» به این موضوع که مردم از ظلم و ستم به تنگ آمده‌اند اشاره می‌کند:

«در آن وقت طغایمور پادشاه آن طرف موسوم شده و در خراسان خطبه و سکه به نام او می‌کردند و قومی از جته که از طایفه اشرار اتراک بودند با او موافق گشتند و در خراسان بدسیرتی می‌کردند و از وزرای قدیم و اکابر خراسان علاءالدین محمد در آن مملکت متمکن بود از آن سبب عرصه خراسان به رعایا تنگ شد و ظلم از حد بگذشت» (مرعشی، ۱۳۴۵: ۴۱).

در تاریخ ایران بعد از اسلام تا تشکیل دولت صفویه، اولین نهضتی که به مقوله ظلم‌ستیزی با تأکید بر مفاهیم شیعی توجه بسیاری نمود، سربداران خراسان بودند. سربداران، ظلم‌ستیزی را هدف اساسی خود در برابر بیگانگان اعلام نمودند (صفا، ج ۳، ۱۳۳۸: ۳۳) شعار ظلم‌ستیزی و پایداری در برابر ظالم در خود نام سربداران نهفته است و آنان این شعار را مهم‌ترین هدف خود قرار دادند. دولتشاه سمرقندی در تذکره الشعراء با صراحت به ظلم‌ستیزی نهضت سربداران اشاره می‌کند:

«اگر خدا ما را توفیق دهد رفع ظلم و دفع ظالمان کنیم و الا سر خود بر

دار اختیار داریم و تحمل جور و ستم نداریم» (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۷۶)

ظلم‌ستیزی در برابر بیگانگان و ظالمان به خوبی در شعار اولیه این نهضت گویا است و این شعار ظلم‌ستیزانه توانسته است در تاثیرگذاری این نهضت نقش مهمی ایفا کند. ظلم‌ستیزی و نبرد با ظالم در نهضت سرمداران به نوعی تحت تأثیر واقعه عاشورا بوده است و این مهم در سخنان برخی از رهبران مذهبی سرمداری آشکار است. شیخ خلیفه رهبری دینی و اعتقادی حکومت سرمداران را بر عهده داشت و از اندیشه‌های شیعی و انقلابی در پیشبرد اهداف سرمداران استفاد نمود. شیخ خلیفه، نشست و وعظ کردن را جایز نمی‌دانست؛ بلکه با توسل به ائمه اطهار(ع) خصوصاً امام علی(ع) و امام حسین(ع) که علیه ظلم و ستم قیام کرده‌اند، وی مبارزه با فسق و فجور را الزامی می‌دانست و همچنین مردم را به ظهور حضرت مهدی(عج) و نابودی ظلم و ستم بشارت می‌داده است (آژند، ۱۳۶۳: ۷۷). این مفاهیم ظلم‌ستیزانه اعتقادات شیخ خلیفه به وسیله شاگردش شیخ حسن جوری تداوم یافت. همین بُعد مذهبی تعالیم شیخ خلیفه و شیخ حسن جوری باعث وحشت هیأت حاکم در خراسان شده است (همان: ۷۸). خواجه علی مؤید، آخرین امیر سرمداری نیز مردم را به ظهور حضرت مهدی(عج) و پایان ظلم بشارت داده است:

«خواجه علی مؤید چون به تأیید الهی در سبزوار بر مسند شهریاری نشست، در اظهار شعار مذهب علیه امامیه مبالغه نموده به اقصی الغایه در تعظیم سادات عظام کوشید و به امید ظهور صاحب‌الزمان سلام الله علیه هر صباح و مساء انتظار می‌کشید. لطف و کرم آن خواجه محتشم را نهایت نبود» (خواندمیر، ج ۳، ۱۳۸۰: ۳۶۰)

گرایش مردم ستم‌دیده خراسان به شیخ حسن جوری تحت تأثیر شعارهای ظلم‌ستیزانه وی بوده است (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵: ۲۸۳). عبدالرزاق سمرقندی گرایش مردم به شیخ حسن جوری را بی‌نظیر توصیف می‌کند:

«به اندک مدتی چنان معتقد او شدند که به سخن او جان

درمی‌باختند.» (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۷۴)

قیام سربداران کرمان نیز به رهبری پهلوان اسد خراسانی اگرچه یک مخالفت تجزیه‌طلبانه برای کسب قدرت بود، اما گرایش مردم به او به علت ظلم و ستم بیش از حد آل مظفر بر مردم بود که موجب پایداری و مقاومت مردم در برابر این حاکمان ستمگر شد (کتبی، ۱۳۶۴: ۹۹) مفهوم ظلم‌ستیزی در نهضت سربداران به خوبی در نامه‌ی خواجه یحیی کرابی که در جواب طغایمور حاکم خراسان نوشته شده، نشان داده شده است. سمرقندی این نامه را به زبان شعر درآورده است:

گردد چرا نهیم جفای زمانه را	راضی چرا شویم به هر کار مختصر
دریا و کوه را بگذاریم و بگذریم	سیمرغ‌وار زیر پر آریم خشک و تر
یا بر سر مراد گردون نهیم پای	یا مردوار بر سر همت کنیم سر

(سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲۸۱)

ظلم‌ستیزی در نهضت شیعی سربداران تحت تأثیر اندیشه‌های تشیع اثنی عشری و فرهنگ عاشورا بوده است که سربداران از آن برای رسیدن به مقاصد خود به خوبی بهره بردند. جلوه‌ی ظلم‌ستیزی نهضت سربداران در قیام‌های مردمی بعد از خود نیز تأثیرگذار بوده است و به نوعی در قرن هشتم هجری قمری سربدار به کسی اطلاق می‌شده است که در برابر جور و فساد حاکم قیام کند.

۲-۳-۲- عدالت طلبی

دومین جلوه پایداری که در نهضت سربداران مورد توجه ویژه‌ای نزد امیران آن قرار داشت، عدالت طلبی بود. عدالت طلبی و عدالت خواهی به عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های پایداری در هر عصر به شمار می‌رود و قیام‌های متعددی در تاریخ ایران با شعار عدالت طلبی روی داده است. سربداران عدالت خواهی را به عنوان یکی از اهداف متعالی خود مدنظر قرار دادند. جذابیت‌های این شعار، موجب پیوستن افراد بسیاری به این نهضت شد. شیخ خلیفه پیشوای فکری - مذهبی سربداران اعتقاد داشت که باید مردم را با مسائل اجتماعی آگاه کرد و تشویق نمود تا بر ضد عاملان اصلی بی‌عدالتی قیام کنند (حقیقت، ۱۳۶۳: ۱۲۷). هدف رهبران مذهبی و سیاسی سربداران، حمایت از طبقه پایین و روستائیان و همچنین برقراری مساوات عمومی در بین تمامی مردم بود (همان: ۱۶۶). رهبران سیاسی این نهضت، کوشش فراوانی در اجرای عدالت در جامعه به کار می‌بستند (میرخوانده، ج ۳، ۱۳۸۰: ۳۶۴) گفته شده خواجه علی شمس الدین چشمی از امیران عادل سربدارای بوده است. عبدالرزاق سمرقندی در مورد برپایی عدالت توسط خواجه علی این گونه می‌آورد:

«هژده هزار مرد را مرسوم داد و رعیت را مرفه‌الحال داشتی و به کفایت
زندگانی نمودی و با محترفات سبزوار شدی و گویند که مرسوم مردم را
برات نوشتی و در مجلس خود نقد شمردی و دادی» (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۲۲).

مردم ستمدیده و عدالت خواه سبزوار پس از شهادت شیخ خلیفه به شیخ حسن جوری که از مروجان عدالت خواهی بود، پیوستند (ترکمنی آذر، ۱۳۸۵: ۲۸۴). تبلیغات شیخ حسن جوری در بعد عدالت طلبی، به دلیل نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی مورد توجه مردم قرار گرفت (آزند، ۱۳۶۳: ۷۸). ابن یمین شاعر معاصر سربداران در مورد عدالت طلبی و مساوات شیخ حسن جوری اشاره می‌کند:

از دل، الم فقر برد مرهم جودش زان گونه که صابون برد از جامه، درن را
چون از پی تحریر، کند خامه گهربار قیمت برود مرسله در عدن را
(ابن یمن، ۱۳۴۴:۱۳)

ابن بطوطه، سیاح معروف اهل سنت نیز با اینکه سربداران را «رافضی» می‌نامد، اما
اجرای عدالت در این نهضت را کم نظیر توصیف می‌کند:

«آیین عدالت در قلمرو آنان رونق گرفت که سکه‌های طلا و نقره در اردوگاه
ایشان روی خاک می‌ریخت و تا صاحب آن پیدا نمی‌شد کسی دست به سوی
آن دراز نمی‌کرد» (ابن بطوطه، ۱۳۷۰:۴۶۴).

ابن یمن در مورد عدالت‌طلبی و برپایی عدالت توسط امیران سربداری اشعار
بی‌شماری دارد او در ابیات زیر به تمجید از تاج‌الدین علی سربداری و عدالت‌طلبی وی
می‌پردازد:

آفتاب عدل او چون سایه بر گیتی فکند کرد کوتاه از کتان دست تعدی ماهتاب
هم ز عدل شاملش بینم که از بیداد چرخ شیر می‌جوید ز قصد گاو شیری اجتناب

(ابن یمن، ۱۳۴۴:۱۹)

همچنین ابن یمن در جای دیگر از دیوان شعر خود به عدالت‌طلبی خواجه یحیی
کرابی از امیران معروف سربداری می‌پردازد و وی را سلطانی معرفی می‌کند که عدالت و
بخشش از الزامات حکومت او بوده است.

فرخنده باد مقدم دستور کامیاب
سلطان مشرقین که اوج سروری
آن کز صریر خامه او گوش سایلان
یحیی تاج بخش که تا رسم خسرو است
از شرم رأیش آخر هر روز می شود
تا عدل او عمارت عالم بنا نمود

بر روزگار دولت شاه فلک جناب
رأیش فکند سایه رفعت بر آفتاب
پیش از سئوال یافته نیکوترین رغب
تخت کیی نیافت چو او شاه کامیاب
خورشید زردرو پس این نیلگون حجاب
جایی نماند جز دل اعدای او خراب

(ابن یمین، ۱۳۴۴: ۱۶)

۲-۳-۳- میهن پرستی

میهن پرستی یکی از جلوه‌های پایداری نهضت سربداران در برابر متجاوزان بود. سربداران با بازتولید مفاهیم ایرانی گرایی و تلفیق آن با روحیه حماسی و پهلوانی ایرانیان، موفق به تقویت حس میهن پرستی در بین پیروان خود شدند. نهضت سربداران حکومت جانشینان هلاکو در ایران را حکومتی ستمگر و مخالف میهن پرستی ایرانیان می‌دانست. این نهضت خود را نماینده هویت ایرانی و مغولان را عنصر بیگانه در داستان‌های کهن ایرانی همتای تورانیان به تصویر می‌کشید (عباسی و راضی، ۱۳۹۳: ۹۱). حس بیگانه‌ستیزی و پایداری در برابر بیگانگان از طریق تقابل ایرانی - تورانی، بیشترین نقش را در تشکیل دولت سربداری داشته است (همان: ۹۲). همچنین سربداران با بازتولید القاب شخصیت‌های داستانی - حماسی ایران در نامیدن پهلوانان خود، بیشترین استفاده را از حس میهن پرستی پیروان خود بردند (خواندمیر، ج ۳، ۱۳۸۰: ۳۶۵؛ سمرقندی، ۱۳۸۰: ۱۴).

گر خسرو کورت بر دلیران نزدی
وز تیغ یلی گردن شیران نزدی
از بیم سنان سربداران تا حشر
یک ترک دگر خیمه در ایران نزدی

(خواندمیر، ج ۳، ۱۳۸۰: ۳۶۰)

میهن پرستی سربداران در قرن هشتم هجری قمری باعث توجه به معنای وحدت خراسان شد. پرداختن ابن‌یمین به مضامین میهن پرستی در دوره سربداران نشان می‌دهد که در آن دوره این مضامین مورد توجه بوده است. وی با تأسی از ویژگی‌های پهلوانان باستانی ایران‌زمین، ممدوحان خود را در زمره ایشان می‌انگارد:

هر که بیند روز کین در رزمگه جولان او داستان پوردستان پیش او دستان شود
(ابن یمین، ۱۳۴۴: ۷۴)

ابن‌یمین همچنین در ابیات دیگری به این عناصر میهن پرستی اشاره می‌کند:

تا جهان بودست و باشد نآمد و نآید دگر بر سر میدان مردی چون تو مردی شهسوار
آسمان در سایه خود جز تو هرگز کس ندید کو جهانگیری به تنهایی کند خورشید وار
دور بادا چشم بد از بال و برز پهلوی کاهل عالم را چو رستم هست گویی یادگار
(ابن یمین؛ ۱۳۴۴: ۸۲)

همچنین ابن‌یمین در اشعار زیر سعی دارد شجاعت سربداران را در دفع دشمنان سرزمین و تلاش آنان در آبادانی مملکت را به تصویر بکشد.

می نماید بد سگال ملک را وقت جدال حجتی بس روشن و قاطع زبان خنجرش
مملکت را سرخ رو میدارد و فربه مدام ز نم آب سیاه آن کلک زرد و لاغرش
(ابن یمین ۱۳۴۴: ۱۱۵)

۲-۳-۴- حمایت از نهضت‌های دیگر نواحی

پس از نهضت سربداران، نهضت‌های دیگری در قرن هشتم هجری قمری روی داد که از لحاظ ایدئولوژی به سربداران خراسان نزدیکی داشتند. سربداران خراسان به طور مستقیم از نهضت سربداران کرمان و مرعشیان مازندران حمایت کردند و همچنین سربداران سمرقند و قیام مردم اصفهان از آنان تأثیر پذیرفتند.

۲-۳-۴-۱- حمایت از قیام سربداران کرمان

پس از سقوط ایلیخانان و تشکیل حکومت‌های محلی در قرن هشتم هجری قمری، کرمان که قبل از آن توسط قراختائیان اداره می‌شد، مورد توجه ملوک آل مظفر قرار گرفت و جنگ‌های طاقت‌فرسایی بین دو طرف در گرفت که نتیجه‌ای جز بدبختی و ستم بیشتر بر مردم ستم دیده نداشت. در چنین اوضاع سیاسی و اجتماعی شاه شجاع مظفری، پهلوان اسد خراسانی را به حکومت کرمان منصوب کرد. پهلوان اسد با مشاهده خرابی‌ها و ستم‌هایی که آل مظفر در کرمان صورت داده بودند علیه آنها قیام کرد و نام سربدار بر خود نهاد. (سمرقندی، ج ۲، ۱۳۸۳: ۴۶۱) خواجه علی مؤید سربداری، صد سوار سربدار به فرماندهی پهلوان غیاث تونی به کمک پهلوان اسد خراسانی فرستاد و با این اقدام خواجه علی مؤید آشکارا از قیام سربداران کرمان حمایت کرد.

«خواجه علی مؤید سبزواری التماس مددی کرده بود. او صد سوار آراسته سربدال با پهلوان غیاث تونی به مدد فرستاده بود، شاه یحیی به جهت اخراجات ایشان در تنگ بود، آن سواران را با پهلوان غیاث به مدد پهلوان اسد فرستاد.» (کتبی، ۱۳۶۴: ۱۰۱)

۲-۳-۴-۲- حمایت از قیام مرعشیان مازندران

دین اسلام در قرن دوم هجری قمری در مازندران اشاعه یافت (آژند، ۱۳۶۳: ۲۴۶) و پس از آن سلسله‌های مختلفی در مازندران به قدرت رسیدند. سلسله‌های محلی مازندران به چندین شعبه تقسیم می‌شدند که هر کدام از این حکومت‌های محلی، منطقه‌ای را تحت سلطه خود داشتند و درگیری‌هایی بر سر قدرت در بین آنها وجود داشت. در نهایت کیا افراسیاب چلاوی دیگر مدعیان را شکست داد و به قدرت رسید. وی به مدت سیزده سال مازندران را به آشوب و غارت کشاند و هرج و مرج و ناامنی همه‌جا را فرا گرفت. کیا افراسیاب چلاوی وقتی که با مخالفت توده مردم مواجه گشت برای کسب مشروعیت،

مرید سید قوام الدین مرعشی که در بین مردم احترام ویژه‌ای داشت، شد. (همان: ۲۵۴) وی از شاگردان شیخ خلیفه و شیخ حسن جوری بود که تحت تأثیر تفکرات انقلابی آنها قرار گرفته بود. ظهیرالدین مرعشی نویسنده کتاب «تاریخ طبرستان و رویان و مازندران» به این مطالب اشاره می‌کند.

«سید مذکور بعد از تحصیل علوم دینیّه متوجه مشهد مبارک حضرت علی بن موسی الرضا- علیه صلوات رب العالمین- گشت. در آن زمان شیخ بزرگ مقتداء شیخ حسن جوری و سید اعظم سید عزالدین سوغندی و درویش مبارک قدم بابا هلال که شیخ حسن جوری و بابای مذکورین بی واسطه مرید حضرت قطب العارفین شیخ خلیفه بودند.» (مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۶۶)

تفکرات سید قوام الدین مرعشی مانند شیخ خلیفه و شیخ حسن جوری پیرامون برابری و مساوات به شیوه قیام بر علیه ستمگران بود و به همین دلیل مورد توجه مردم مازندران قرار گرفت (پطروشفسکی، ۱۳۵۱: ۱۰۷). تشکیل دولت مرعشیان خراسان تحت تأثیر نهضت سربداران بوده است و بسیاری از منابع به همکاری عزالدین سوغندی با خواجه شمس الدین در خراسان اشاره دارند که سوغندی پس از بازگشت به مازندران، قصد تشکیل حکومت داشته است که به علت درگذشت ناگهانی موفق به این کار نمی‌شود و شاگرد او قوام الدین مرعشی کار ناتمام استاد خود را به پایان می‌رساند (همانجا).

۳- نتیجه گیری

پایداری در برابر بیگانگان در طول تاریخ ایران دارای سابقه‌ای طولانی است. عصر مغولان از دوره‌های تاریخی است و ظلم و ستمی که در این دوره بر مردم اعمال می‌شد باعث بسیج توده‌های مردم در نهضت سربداران خراسان شد. جلوه‌های پایداری نهضت سربداران که موجب گرایش مردم به این نهضت شدند عبارت بود از:

۱- ظلم‌ستیزی: سربداران، ظلم‌ستیزی را جزو مهم‌ترین اهداف خود به شمار می‌آوردند و رهبران فکری - مذهبی سربداران چون شیخ خلیفه و شیخ حسن جوری ظلم‌ستیزی را عامل اصلی پایداری مردمی می‌دانستند.

۲ - دومین جلوه پایداری نهضت سربداران عدالت‌طلبی بود. اجرای عدالت و برقراری مساوات در این نهضت، بی‌سابقه بود و رهبران مذهبی و سیاسی سربداران در اجرای عدالت اهتمام فراوانی نمودند.

۳- میهن‌پرستی سومین جلوه پایداری نهضت شیعی سربداران بود که باعث تقویت وحدت ملی شد. سربداران با توجه به حماسه‌های باستانی و ایرانی، میهن‌پرستی را در بین مردم گسترش دادند. آنان با بازتولید مفاهیم پهلوانی- ایرانی، تأثیر زیادی در ایجاد وحدت و ملی‌گرایی داشتند.

۴- نهضت شیعی سربداران با تبلیغ جلوه‌های پایداری موفق شد در برابر ظلم و ستم هیأت حاکم به پیروزی برسد و از نهضت سربداران کرمان و مرعشیان مازندران حمایت کند. اگرچه جلوه‌های پایداری در ایجاد نهضت شیعی سربداران بیشترین نقش را داشتند، اما آموزه‌های قرآنی و فرهنگ اهل بیت (ع) بخصوص فرهنگ عاشورایی، مهم‌ترین محرک مردم در پیوستن به این قیام بود. نهضت سربداران از این جهت دارای اهمیت است که آشکارا شعائر شیعی اثنی‌عشری را تبلیغ کردند و باعث شدند که حکومت‌های پس از خود چون صفویان حرکت و نهضت شیعی آنها را ادامه دهند.

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

- ۱- آژند، یعقوب. (۱۳۶۳). **قیام شیعی سربداران**. تهران: نشر گستر.
- ۲- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله. (۱۳۷۰). **سفرنامه ابن بطوطه**. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: موسسه انتشارات آگاه.
- ۳- ابن یمن، فریومدی. (۱۳۴۴). **دیوان اشعار ابن یمن فریومدی**. به تصحیح حسین علی باستانی راد. تهران: کتابخانه سنایی.
- ۴- اسفزاری، معین‌الدین محمد زمچی. (۱۳۳۸). **روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات**. مصحح سید محمد کاظم امام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- اصفهانی، کمال‌الدین اسماعیل بن محمد. (۱۳۴۸). **دیوان خلاق المعانی**. به اهتمام حسین بحر العلومی. تهران: انتشارات دهخدا.
- ۶- بدلیسی، شرف خان. (۱۳۷۷) **شرفنامه**. مصحح ولاد میر ولامینوف. تهران: انتشارات اساطیر.
- ۷- پطروشفسکی، ای. پ. (۱۳۵۱). **نهضت سربداران خراسان**. ترجمه کریم کشاورز. تهران: انتشارات پیام.
- ۸- تتوی، قاضی احمد؛ قزوینی، آصف خان. (۱۳۸۲). **تاریخ الفی**. مصحح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۹- ترکمنی آذر، پروین. (۱۳۸۵) «**تاریخ سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران**». تهران: مؤسسه شیعه شناسی.
- ۱۰- حافظ ابرو، عبدالله ابن ابی لطف الله. (۱۳۸۰). **زبده التواریخ**. مصحح سید کمال حاج سید جوادی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- ۱۱- حقیقت، عبدالرفیع. (۱۳۶۳). **تاریخ جنبش سرداران و دیگر جنبش‌های ایرانیان در قرن هشتم هجری**. تهران: انتشارات علمی.
- ۱۲- خواندمیر، غیاث‌الدین همام. (۱۳۸۰). **حبیب‌السیر**. تهران: انتشارات خیام.
- ۱۳- راوندی، مرتضی. (۱۳۸۲). **تاریخ اجتماعی ایران**. ج ۲. تهران: انتشارات نگاه.
- ۱۴- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق. (۱۳۸۳). **مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین**. مصحح عبدالحسین نوایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۵- سمرقندی، میر سید شریف راقم. (۱۳۸۰). **تاریخ راقم**. مصحح منوچهر ستوده. تهران: انتشارات بنیاد محمود افشار.
- ۱۶- سمرقندی، دولت‌شاه. (۱۳۸۲). **تذکره الشعراء**. به تصحیح ادوارد براوان. تهران: انتشارات اساطیر.
- ۱۷- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۸). **تاریخ ادبیات ایران**. ج ۳، تهران: انتشارات فردوس.
- ۱۸- فرغانی، سیف. (۱۳۶۶). **دیوان سیف فرغانی**. به تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۹- کتبی، محمود. (۱۳۶۴). **تاریخ آل مظفر**. مصحح عبدالحسین نوایی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲۰- مرعشی، سید ظهیرالدین. (۱۳۴۵). **تاریخ طبرستان و رویان و مازندران**. مصحح محمد حسین تسیحی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق.

ب. مقاله‌ها

- ۱- اللهیاری، فریدون و دیگران. (۱۳۸۹). «**حکومت‌های محلی در قرن هشتم هجری و مساله مشروعیت**». فصلنامه پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان. سال دوم، شماره دوم، صص ۲۴-۱.

- ۲- امیری خراسانی، احمد؛ هدایتی، فاطمه. (۱۳۹۳). «ادبیات پایداری. تعاریف و حدود». نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال ششم، شماره دهم، صص ۲۳-۴۱
- ۳- جهانشاهی افشار، علی؛ روستا، جمشید. (۱۳۹۲). «هجوم مغول به ایران و مؤلفه‌های پایداری در اشعار سیف فرغانی». نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال پنجم، شماره نهم، صص ۹۳-۱۱۷.
- ۴- صرفی، محمدرضا. (۱۳۹۳). «گستره ادبیات پایداری». نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ششم، شماره دهم، صص ۲۰۷-۲۳۷.
- ۵- عباسی، جواد؛ راضی، زهره. (۱۳۹۳). «مشروعیت ایرانی در حکومت های محلی ایران در قرن هشتم هجری». فصلنامه پژوهش‌های تاریخ محلی، سال دوم، شماره دوم، صص ۸۴-۹۸